

بِسْمِ اللَّهِ الْعَلِيِّ الْأَعْلَى

﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ﴾

الحمد لله الذي جعلنا من المتمسكين بولاية أمير المؤمنين و الائمة المعصومين عليهم السلام

ضمن عرض تبریک سالروز میلاد مبارک امیر مؤمنان علی علیه السلام به محبان اهل بیت عصمت علیهم السلام، به یمن این روز عزیز مقاله‌ای را از فقیه مصلح قرآنی، آیه الله العظمی صادق‌ی تهرانی منتشر می‌کنیم که در آن به ردّ افسانه‌ی «ردّ الشمس» پرداخته شده است.

«ردّ الشمس» به معنای «بازگرداندن خورشید» است. در روایاتی نقل شده که خورشید - به خاطر امیرالمؤمنین علیه السلام که نماز عصرش قضا شده بود - چند بار پس از غروب برگردانیده شده تا هوا روشن شود و آن حضرت، نماز را ادا به جا بیاورند!!

امید است مسائل اعتقادی یا فقهی را بدون پیشداوری، بلکه با عقل سلیم و منطق قرآنی و پیروی از راهکار اهل البیت علیهم السلام در شناخت دین - که تدبّر در قرآن و عرضی روایات بر آن است - بررسی نموده و در نهایت قبول یا رد کنیم. چرا که خدای حکیم می‌فرماید:

«پس [ای پیامبر] بندگانم را بشارت ده، کسانی که به سخن [حق] گوش فرا می‌دهند، پس بهترینش را پیروی می‌کنند، اینان کسانی هستند که خدا هدایتشان کرده و اینان همان صاحبان عقل خالصند» (زمر، ۱۷-۱۸)

مرکز اصلاح متون دینی بر اساس قرآن و سنت ثابت

با مسئولیت حجة الاسلام محسن نورانی

۱۸ ذی الحجة ۱۴۳۷ - ۹۵/۶/۳۰

«ردّ الشمس»

بهتان جاعلان معاند در برابر دوستان جاهل،

نسبت به مولی الموحّدين، امام المتّقين، امیرالمؤمنين، اسدالله الغالب،

مطلوب كل طالب، علی بن ابی طالب «علیه ازکی صلوات المصلین»

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» الحمد لله رب العالمين و صلّى الله على رسوله محمد و آله الطاهرين

در میان شیعیان و سنّیان، افراط و تفریط‌هایی در عقاید اصلی و احکام فرعی اسلامی وجود دارد که باید بر محور قرآن مجید و سنت قطعیه‌ی رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله چنان انحرافات از چهره‌ی نورانی معصوم اسلام زدوده شود تا اسلام اصیل برای مسلمانان و سایر جهانیان به راستی بازگو گردد.

اکنون پس از ۱۸ سال از اولین انتقاد مستدلّ به روایات جعلی ردّ الشمس - در مسجد امام حسن عسکری علیه السلام در شهر مقدّس قم که ممانعت از ادامه‌ی تدریس فقه و تفسیر اینجانب در آن مسجد را توسط متجاهلان و مقدّس نمایان در پی داشت - به مناسبت ۱۳ رجب ۱۴۱۸ هجری قمری که مصادف است با سالروز میلاد پربرکت مظلومترین انسان تاریخ - حتی در میان پیروانش - یعنی امام همام امیر مؤمنان علی بن ابیطالب علیه السلام، در ردّ «ردّ الشمس» منسوب به حضرتش که توهین آشکار به مقام علیای عصمت علوی است نقدی را برای شیعیان مخلص آن حضرت ارائه می‌کنیم:

مهمترین مقام برای امامان علیهم السلام برترین درجات عصمت بعد از رسول الله صلی الله علیه و آله است، که با آیه‌ی فاطر و آیاتی دیگر ثابت شده است؛ و تمامی نفی و اثبات‌ها درباره‌ی آن بزرگواران بر محور این عصمت سنجیده می‌شود. لذا معجزه‌ی خیالی «ردّ الشمس» از نظر عقل و علم و شرع مقدّس ربّانی، محال و درباره امام امیرالمؤمنین علی علیه السلام از چند جهت محال است، زیرا در جمع اگر «ردّ الشمس» برای این بوده که نماز قضا شده‌ی آن حضرت ادا شود، اولاً تهمت ترك

آگاهانه‌ی نماز به معصوم علیه السلام است که صریحاً مخالف قرآن است و ثانیاً زمان هرگز بر نمی‌گردد و ثالثاً بر فرض محال اگر خورشید باز گردد، زمانی مشابه زمان قبلی ایجاد شده، که در این صورت اضافه بر وجوب قضای نماز گذشته، نماز دیگری هم به عنوان ادا بایستی انجام گردد و اگر هم چنان جریانی امکان داشت از جهتی دیگر نیز محال بود که از تارك الصلاة آن هم با چنان جریان اعجاز آمیزی تجلیل شود!!

وانگهی روایات ۲۲ گانه‌ی «ردّ الشمس» با یکدیگر متعارض بوده و چند گونه است که ذیلاً بررسی و نقد می‌شود:

۱ - بحار الانوار (ج ۴۱ ص ۱۶۶) باب (ردّ الشمس له و تکلم الشمس معه) در حدیث اول از حنان روایت می‌کند که از حضرت صادق علیه السلام علت ترك نماز علی علیه السلام را جویا شدم در صورتی که آن حضرت جمع میان ظهرین را دوست می‌داشت، فرمود: پس از انجام نماز ظهرش با جمجمه‌ای گرم گفتگو بود تا آفتاب غروب کرد، سپس از خدا خواست که خورشید برگردد و خدا نیز هفتاد هزار فرشته را با هفتاد هزار زنجیر آهنین فرستاد که بر دور خورشید بستند و آن را به عقب برگرداندند تا به گونه‌ای درخشان برگشت و آن حضرت نماز عصرش را به جا آورد!؟

۲- در خبر ۳ و ۱۳ می‌گوید: علی علیه السلام در زمین ملعونی مستقر بود و فرمود: نباید پیامبری و یا وصیّش در اینجا نماز بخواند، نمازش را نخواند تا خورشید غروب کرد، سپس خورشید برگشت تا نمازش را بجا آورد!

۳- در خبر ۸ و ۲۰ و ۲۱ آمده است که: علی علیه السلام با گروهی از مردم از فرات در بابل عبور می‌کرد، نماز عصرش را با تعدادی از همراهان خواند ولی دیگران نخواندند تا خورشید غروب کرد، با درخواست آنان خورشید مجدداً بازگشت تا با هم نماز را به جماعت برپا دارند!

۴- مضمون احادیث ۲ و ۴ و ۶ و ۸ و ۱۵ و ۱۹ و ۲۲ این است که: پیامبر صلی الله علیه و آله نماز ظهر و عصر را خوانده بود، علی علیه السلام نزد پیامبر آمد و در همان حال به پیامبر وحی شد و آن حضرت در حال غش یا حالت خواب، سر بر زانوی علی نهادند و تا غروب آفتاب در همان حال بودند که نماز عصر علی قضا شد و چون پیامبر پس از برخاستن، علت نماز نخواندن علی را پرسید، گفت: نشستن زیر سر شما از نماز من بهتر است! پس پیامبر دعا کرد تا خورشید برگردد! ۵- در روایت ۸ آمده است که: نماز را نشسته و با اشاره خواند. یعنی بازگشت خورشید برای این بود که نمازش را به طور کامل و ایستاده انجام دهد.

۶- «ردّ الشمس» طبق بعضی احادیث دو بار اتفاق افتاده که قبل و بعد از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله بوده و در بعضی از روایات نیز چندین مرتبه، مانند روایت سلمان و همچنین در یوم البساط، یوم الخندق، یوم حنین، یوم خیبر، یوم قرقیسینا، یوم بربان، یوم الغاضریة، یوم النهروان، یوم بیعة الرضوان، یوم صفین، فی النجف، فی بنی مازر، بوادی العتیق و بعد از احد، که در این صورت نماز آن حضرت پانزده بار با آگاهی قضا شده است! و پانزده بار هم «ردّ الشمس» اتفاق افتاده تا مثلاً معصوم نماز ترك شده‌ی خود را ادا کند!!

حال آنکه سر جمع این روایات، ایرادات زیر را در بردارد:

- این برگشتن! نشان دهنده‌ی ترك آگاهانه‌ی نماز عصر توسط علی علیه السلام بوده است!

- مگر علی علیه السلام در نماز جماعت پیامبر صلی الله علیه و آله شرکت نکرده بود که آن را ترك کرده باشد؟!!

- جمع میان ظهرین، در مواقع ضرورت، سنت است اگرچه فصل آن در مواقع عادی سنت مؤکد است آیا علی علیه السلام

جمع میان ظهرین را- خصوصاً به هنگام نماز جماعت پیامبر صلی الله علیه و آله- برخلاف سنت می‌دانست و دوست نمی‌داشت تا اینکه مثلاً با جمجمه‌ای گفتگو کند و نماز عصرش قضا شود؟!!

- مگر قرار گرفتن سر مبارک پیامبر صلی الله علیه و آله روی زانوی علی افضل از نماز علی است؟!!

- در صورت ترك نماز عصر امیرمؤمنان! چرا خورشید تنها برای قضای نماز عصر ایشان برگشت و نه برای دیگر

مؤمنان در طول تاریخ که احیاناً نماز عصر برخی از آنان قضا می‌شود!!

- اگر خورشید برگشته بود، تمامی مردمی که در آن افق زندگی می کردند آن را می دیدند خصوصاً اگر در وقت فضیلت نماز عصر بازگشته باشد که سه ساعت مانده به غروب است!

- مگر با برگشتن خورشید، زمان گذشته هم برمی گردد؟

- در این بازگشت بر فرض امکان، نه تنها نماز قضا شده عصر ادا نخواهد شد و باید قضایش بجا آورده شود، بلکه پیش از آن به علت برگشتن خورشید، نمازهای ظهر و عصر به اضافی قضای نماز صبح، مجدداً واجب خواهد شد، چون وقت جدیدی پدید آمده است!

- در برگشتن خورشید، نظام موجود سیارات به هم می خورد و این برخلاف نظام تکوین می باشد؛ بلکه حرکت معکوس خورشید نشانه ای بارز از آغاز انفجار ستارگان به هنگام رستاخیز است.

- و چطور ممکن است حضرتش به عنوان گفت و گو با جمجمه ای، نماز عصر را فراموش کند، در حالی که یک مسلمان عادی که درجه ایمانش بسی پایین تر از آن حضرت است، چنین کار لغو و بیهوده ای را انجام نمی دهد.

- و چگونه پیامبر اینگونه غافل باشد که در موقع نماز، روی زانوی علی بخوابد تا نماز علی به تأخیر افتد؟

- و مگر از زمین گناهی سر زده که ملعون شود و با ترك نماز در آن، لعنت دیگری بر آن افزوده گردد تا اگر در آنجا نماز خوانده شود، نمازگزار هم مانند زمین ملعون گردد؟! حال آن که ترك آگاهانه ای نماز در هر حالی مورد لعنت است.

- بالاخره روایات ۲۲ گانه «ردّ الشمس» که چهره ی معصوم پیامبر اکرم و حضرت علی و امام صادق «صلوات الله علیهم» را زیر سؤال برده و مخدوش می کند با يك نگاه کلی هم خلاف قرآن و مردود است زیرا نفس مقدس امیرمؤمنان علیه السلام به همراه بقیه ی حضرات اهل بیت نبوت علیهم السلام طبق آیاتی از قرآن همچون آیه ی فاطر و تطهیر در حدّ اعلای عصمتند ولی ادّعی «ردّ الشمس» که دروغی منسوب به امام صادق علیه السلام است؛ قبل از ردّ عصمت پیامبر صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام عدالت این سه معصوم را هم ردّ کرده است. لذا به هیچ وجه من الوجوه قابل قبول نیست.

- علاوه بر دلایل فوق، روایات ردّ الشمس متضادّ است با احادیثی که قلوب چهارده معصوم علیهم السلام را هنگام خواب جسمانی بیدار می داند؛ قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «تَنَامُ عَيْنِي وَ لَا يَنَامُ قَلْبِي» چشمم به خواب می رود ولی قلبم نمی خوابد. (بحار: ج ۷۶ / ص ۱۸۹) پس محال است شخص معصوم - که قلبش همیشه بیدار است - نسبت به منکری که نزد او در حال انجام است، ساکت باشد؛ یعنی امکان ندارد پیامبر صلی الله علیه و آله در حالی که می داند زمان قرار گرفتن سرش بر زانوی علی علیه السلام به اندازه ای طولانی شده که مانع نماز خواندن علی علیه السلام است؛ سکوت کند و خوابش را ادامه دهد.

اینها اشکالاتی قطعی بر خرافه ی «ردّ الشمس» است که آن را از چندین نظر محال می کند و افراط و تفریط نسبت به امیرالمؤمنین علیه السلام را دفع می نماید. حال آیا عقیده به «ردّ الشمس» با این فضاحت، مقتضای ولایت است یا جهالت؟ و آیا شارع مقدس اجازه می دهد که شیعه ی حقیقی این افتراءات به آن حضرت را بپذیرد؟

در پایان با دفاعی قاطعانه از امیرالمؤمنین علیه السلام این نکته را اختصاراً تکرار می کنم که: جاعلان روایات جعلی با بهتان ناروای ترك نماز به ساحت مقدس امام علی علیه السلام و تهمت هایی دیگر، مقام اعلای عصمت علوی و عدالت و حتی ایمان را از آن حضرت به دور داشته و با تعابیری شرم آور از قبیل «دابة الارض» به معنای «حیوان زمین»، آن انسان والامقام را از انسانیت خارج کرده اند و حتی خدای سبحان را نیز این گونه معرفی می کنند که دست به کار محال ذاتی برگشتن زمان زده و برخلاف سنت الهی حرکت انتقالی رو به جلوی مستمر ستارگان پیش از قیامت، مثلاً خورشید را برای تشکر از تارك نماز به عقب برگردانده باشد!! نعوذ بالله من الجهالة و نستجيرُ به

و السلام علی عبادالله الصّالحین

قم المشرفّة - محمّد صادقی تهرانی ۱۳۷۶/۸/۲۰ شمسی